

اولریش مارزلف

ترجمة کبکاووس جهاننداری

# انجوی شیرازی و گنجینه فرهنگ مردم ایران



اولریش مارزلف

۳۰۵

سیدابوالقاسم انجوی شیرازی (۱۳۷۲-۱۳۰۰) ادب‌شناس و متخصص فرهنگ مردم ایران در سن هفتاد و دو سالگی پس از سپری کردن یک دوره طولانی بیماری در بیست و ششم شهریور ۱۳۷۲ مطابق با هفدهم سپتامبر ۱۹۹۳ میلادی در تهران چشم از جهان پوشید. با درگذشت او ایران یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های خود را در عرصه فرهنگ مردم و گردآوری مدارک و اسناد مربوط به آداب و رسوم و روایات ملی از دست داد. نام وی از نام گنجینه فرهنگ مردم ایران که او در طول چندین ده سال از زندگی پر برکت خود به پایه‌گذاری آن همت گماشت و به شایستگی تمام از عهده آن برآمد جدایی‌ناپذیر است. این حقیقت که نام انجوی خارج از گروه محدودی از ایران‌شناسان به آن صورت که باید شناخته نیست ما را بر آن می‌دارد که شرحی را که در اعلام درگذشت او می‌نویسیم با تفصیل بیشتری درباره خدمات علمی او توأم کنیم.

به اختصار به شرح حال و خط مشی زندگی انجوی می‌پردازیم: وی در خانواده‌ای روحانی و با فرهنگ دیده به جهان گشود که - هرچند با رشته‌ای طولانی - به دیلمیان می‌پیوست. پس از تحصیل در شیراز به مطالعات خود در رشته علوم سیاسی در دانشگاه تهران ادامه داد، آنگاه رهسپار ژنو شد و در آنجا با فرهنگ اروپایی آشنایی پیدا کرد. از بین معلمین و شخصیت‌های فرهنگی که انجوی خود را مدیون آنان می‌شمرد وحید دستگردی، ملک‌الشعرا بهار و جلال‌الدین همایی قابل ذکرند. اما ملاقات با صادق هدایت در سال ۱۳۱۸ که در سالهای بعد به دوستی عمیقی بین آن دو بدل شد و تا هنگام خودکشی هدایت در سال ۱۳۳۰/۱۹۵۱ در پاریس ادامه یافت، در برگزیدن راه آینده زندگی و تحقیقات انجوی اثری تعیین‌کننده برج گذاشت. انجوی به عنوان روشنفکری که تعهد سیاسی داشت در چند دهه از سالهای پرتلاطم تاریخ جدید ایران در سرنوشت بسیاری از همفکران خود سهیم شد و من جمله به عنوان عضو جبهه مخالف حکومت وقت چند ماه را در زندان رسوای جزیره

خارک به سر آورد.

در این سالها انجوی بیش از همه به انتشار آثاری از شعر کلاسیک فارسی سرگرم بود. دو منتخب شعر از دیوان شمس تبریزی (مکتب شمس ۱۳۳۷/۱۹۵۸) و غزل (سفینه غزل ۱۳۵۶/۱۹۷۷) و همچنین چاپ جدیدی از دیوان حافظ (دیوان خواجه حافظ شیرازی ۱۳۴۵/۱۹۶۶) منتشر کرد که همه از آن پس به دفعات به چاپ رسیدند و اکنون نیز در بازار کتاب می توان آنها را سراغ کرد.

انجوی که تمام عمر را مجرّد ماند در چهل سالگی تصمیم گرفت با مختصر تأمینی که از لحاظ زندگی مادی داشت خود را از تحصیل معاش کنار بکشد. از آن پس دیگر به صورت مداوم به همان مفهومی که هدایت خواسته بود به کار گردآوری اسناد و حفظ و نگاهداری روایات و میراث فرهنگ مردم پرداخت. راهی که انجوی برای رسیدن به این منظور اختیار کرد شایان توجه است: وی با استفاده از رادیو وسیله‌ای را در اختیار گرفت که با آن توانست به همه اطراف و زوایای کشور دست‌رس پیدا کند و ضمناً مرکزی هم برای دریافت مواد و مطالب بسیار زیادی که به ندای او از همه جا می‌رسید داشته باشد. این فکر که می‌توان از امکانات فنی رادیو برای دست‌یافتن به هدف گردآوری مواد مربوط به فرهنگ مردم سود جست چندان تازگی نداشت: پیش از آن، در چهل سال قبل الول ساتن، روزنامه‌نگار انگلیسی کوششی کرد تا دایه‌ای کهنسال را به نام مشدی گلین خانم برای قصه گفتن به استودیوی رادیو بیاورد. کمی پس از آن فضل‌الله مهتدی «صبحی» در برنامه قصه‌گویی که خود طراح آن بود از این فکر بکر بهره‌جست و از شنوندگان خود خواست تا به گردآوری قصه‌ها پردازند و آنها را برای او ارسال دارند. صبحی از سال ۱۹۴۴ میلادی به بعد مقداری از قصه‌های فارسی رسیده را انتشار داد. وی، هم در متن و هم در زبان قصه‌ها تغییراتی می‌داد تا به خیال خود آنها را به صورت «اولیّه» درآورد. گذشته از این سخت‌راغب بود که برنامه‌ای سرگرم‌کننده تهیه ببیند. متون عامیانه و مردمی فقط برای او وسیله‌ای بود که بتواند کار خود را با توفیق فراوان و تأثیر بسیار در بین طبقات مردم آغاز کند. برخلاف او انجوی استفاده‌ای دقیق و روشمند را در رادیو هدف کار خود قرار داد: از همان بدو امر خواهان گردآوری جامع و منظم فرهنگ مردم، آن هم حتی‌المقدور به صورت اصلی خود و حفظ و نگاهداری آن شد. محبوبیت روزافزون برنامه رادیویی او هم یکی از نتایج این امر شمرده می‌شود.

از سال ۱۳۴۱ به بعد برنامه انجوی هر چهارشنبه شب سر ساعت نه پخش می‌شد که در طول تقریباً بیست سال به صورت یک رسم و قاعده ثابت پابرجا ماند. در سالهای نخستین برنامه او به نام «احساس و اندیشه» پخش می‌شد و در سه سال اول فقط یک ربع ساعت وقت برای آن مقرر بود. پس از تغییر عنوانهای مکرر سرانجام این برنامه «سفینه فرهنگ مردم» نام گرفت و در اواخر سه ساعت تمام وقت به آن اختصاص داده می‌شد. این برنامه تقریباً تا یک سال پس از تغییرات سیاسی در بهار ۱۳۵۸ هم دوام داشت و آن وقت بود که انجوی بازنشسته شد. پس از مدتی وقفه باز برنامه‌ای در همین زمینه پخش می‌شود که دیگر از جنبه علمی عاری است و بیشتر برنامه‌ای است برای ایجاد سرگرمی و با برنامه‌های صبحی قابل قیاس.

انجوی سازماندهی بود فوق‌العاده توانا و فردی متعهد. با مجموعه‌ای از قابلیت‌های نادر که در وجود خود داشت هم می‌توانست مردم ساده روستایی و خارج شهری را که قسمت اعظم شنوندگانش از آنها تشکیل می‌شد بر سر شوق آورد و به برنامه خود جلب کند و هم قادر بود که مقدار هنگفت مواد مکتوبی را که دریافت می‌کرد به صورت منظم مورد نقد و بررسی قرار دهد. او که خود مستقیماً در رشته دانش مردم «درس نخوانده بود» هم در آن واحد متونی را با درجه بالایی از



زنده یاد انجوی شیرازی عکس از مریم زندی

اصالت گرد آورد و هم شک و نگرانی بدوی روشنفکرانی را که می‌پنداشتند پرداختن جدی به میراث فرهنگی عوام کاری است منسوخ و عقب مانده از بین برد. چندسالی نگذشت که برنامه انجوی تا بدانجا پا گرفت و مستقر شد که او توانست به کمک گروهی روزافزون از همکاران مؤید باشد. برای راهنمایی این همکاران وی رساله کوچکی زیر عنوان «طرز نوشتن فرهنگ عامیانه» به رشته تحریر کشید و آن را از سال ۱۳۴۶ برای همکاران خود به صورت رایگان فرستاد. در این رساله که بر مبنای «نیرنگستان» صادق هدایت فراهم آمده ضمن دوازده ماده در هشت صفحه طرز کار و قواعد آن را ذکر می‌کند و با عبارتهای گوناگون دائماً هشدار می‌دهد که به هیچ وجه متونی را که به صورت اصلی یادداشت کرده‌اند از سر خیرخواهی «اصلاح» و دست‌کاری نکنند و آنگاه اصول و قواعدی را برای ضبط روشن و درست آوانگاری متونی که در قالب لهجه بوده‌اند یادآور می‌شود. سواى این دستور کار رادیو به محض رسیدن درخواست، کاغذهای تحریری مخصوصی را هم در اختیار همکاران این برنامه می‌گذاشت: در این کاغذها بین سطرها فاصله‌ای زیاد در نظر گرفته شده بود و عناوین خاصی در آن پیش‌بینی شده بود که می‌بایست گردآورنده ذیل آنها آگاهیایی درباره متن، مطلب و همچنین نام، خاستگاه، سن، پیشه، درجه تحصیل و نشانی شخص خود و راوی اصلی به دست دهد. این کار گردآوری که با طرحی چنین دقیق و اندیشیده انجام می‌گرفت پایه‌گذاری گنجینه‌ای را ممکن ساخت که امروز بنا بر آوردی احتیاط‌آمیز شامل چندین صد هزار متن در عرصه‌های کاملاً مختلف فرهنگ مردم می‌شود. در کنار این کار ضمناً به امور مربوط به چندین هزار همکار و همچنین مکاتبات انجام شده با آنها نیز به صورتی منظم عنایت شده است.

شیوه عرضه متون با اوضاع و احوال ایران هماهنگ شده است و طبق فهرستی که آقای م. ظریفیان در سال ۱۳۵۸/۱۹۷۹ فراهم آورده و همین اواخر در کتاب «گذری و نظری در فرهنگ

مردم» اثر انجروی به طبع رسیده است به سه عرصه بزرگ که دارای اهمیت بیشتریند یعنی پرونده‌های موضوعی، پرونده‌های محلی و پرونده‌های ایلات، اقوام و اقلیتها تقسیم شده است. بعد از آن باید اسلوب کار و ترتیب تنظیم گنجینه که در سراسر کشورهای خاورمیانه بی نظیر و یگانه است تشریح شود. در این مقام نمی‌توان بعضی از دگرگونیهای غیرقابل انتظار را که در فهرست بعدی آمده است ناگفته گذاشت: در سالهای اخیر نه تنها جزییات بیشتری به آن افزوده شده که آنها را می‌توان تقسیمات فرعی تر دانست بلکه گاه در سرفصلهای آن هم تغییراتی دیده می‌شود و یا از نکات تازه‌ای سخن به میان می‌آید: بیش از همه مورد سرفصل پیشین ۲۴ با عنوان «بازگویی عامیانه داستانهای شاهنامه» نظرگیر است که دیگر اثری از آن مشهود نیست. در سرفصل فعلی ۲۴ «بازیها» پیش‌بینی شده که در فهرست اصلی آن را ذیل سرفصل ۸۱ ذکر کرده بودند. نخستین و درعین حال بزرگترین فصل شامل موضوعهایی است که ذیلاً از آنها یاد می‌شود. هرگاه دامنه موضوعی به بیش از یک پرونده کشیده شده باشد، تعداد پرونده‌های مربوطه نیز ذکر شده است:

### ۱- زندگی مادی

- الف- وسایل اقتصادی: ۱- آبادیها به صورت عمومی؛ ۱/۱- هریک از آبادیها؛ ۱/۲- آسیابها؛ ۲- کوهها؛ ۳- ساختمان منزل و اسباب خانه؛ ۴- پوشاک و پیرایه‌ها؛ ۵- خوردنها و آشامیدنها.  
 ب- کار و وسایل مخصوص گذران زندگی: ۶- صید و شکار؛ ۷- دامداری و پرورش طیور، تربیت کرم ابریشم و پرورش زنبور عسل؛ ۸- تهیه دسته جمعی لبنیات (شیروره)؛ ۹- مَشک‌زنی؛ ۱۰- کشاورزی؛ ۱۰/۱- برنج کاری؛ ۱۰/۲- نخل کاری؛ ۱۱- آب و آبیاری؛ ۱۲- پیشه‌ها؛ ۱۳- فعالیتها و شغلای کوچک.  
 ج- تفریح و آسایش: ۱۴- تفریح و آسایش.

۳۰۸

### ۲- زندگی معنوی

- الف- زبان: ۱۵- لغات و اصطلاحات؛ ۱۵/۱- صور خیال؛ ۱۵/۲- حکمت عوام؛ ۱۵/۳- اندرزا و کلمات نغز؛ ۱۶- زبانهای ساختگی.  
 ب- ادبیات مردم: ۱۷- اصطلاحات و عبارت‌پردازیها؛ ۱۸- تمثیل و مثل؛ ۱۹- لطفه‌ها؛ ۲۰- شوخی آبادیها؛ ۲۱- متلها؛ ۲۲- قصه‌ها؛ ۲۳- قصه بزرگان؛ ۲۳/۱- ملا نصرالدین؛ ۲۳/۲- شاه عباس؛ ۲۴- بازگویی داستانهای شاهنامه توسط مردم (حالا به جای آن «بازیها» قرار گرفته)؛ ۲۵- چستانها؛ ۲۶- دوبیتی‌ها؛ ۲۷- تصنیفها؛ ۲۸- شعرای محلی؛ ۲۹- قسمها، دعاها، نفرینها؛ ۳۰- افراد خیر و نیکوکار.  
 ج- اخلاق عامیانه: ۲۹- قسمها، دعاها؛ ۲۹/۱- نفرینها؛ ۳۰- افراد خیر و نیکوکار.  
 د- دانش عوام: ۳۱- گیاهان درمان‌بخش؛ ۳۲- بیماریها و درمان آنها؛ ۳۳- نشانه‌های بدن؛ ۳۴- حیوانات و جانوران؛ ۳۵- نجوم عامیانه؛ ۳۶- گاه‌شماری و هواشناسی؛ ۳۷- علم پیشینیان و موضوعهای تاریخی؛ ۳۸- وزن‌ها و مقیاسها.  
 ه- هنرهای عامیانه: ۳۹- هنرهای دستی و صنایع ملی؛ ۴۰- رقص و موسیقی؛ ۴۱- بازیهای نمایشی.  
 و- زندگی اسرار آمیز: ۴۲- جادو جنبل؛ ۴۳- فالها؛ ۴۴- تعبیر خواب؛ ۴۵- تقال خانوادگی؛ ۴۶-

# فردوسی نامه مردم و فروغ

این دوره سه جلدی فردوسی نامه را به یکی  
از ذخیره های عن بن عمر و فرزند معنوی و گرجانی  
فردم حضرت آماهی علی دهباشی سردبیر  
ناضله جمله معتبر کلک تقدیم می کنم و بپرستم



سازمان اسناد و کتابخانه ملی  
جمهوری اسلامی ایران  
زمستان ۱۳۶۲

آرزومند سلامت و سعادت و  
توفیق ایشان در خدمات فرهنگی

هستم. با محبت و احترام

۱۳۰۱  
اردیبهشت ۱۳۷۱

گروه ادبی: تألیف  
سید ابوالقاسم انجوی  
شیرازی

چشم زخم؛ ۴۷- نذر و نیاز؛ ۴۸- معتقدات.  
ز - پرستشهای عامیانه؛ ۴۹- اماکن نظر کرده؛ ۵۰- قدمگاهها؛ ۵۱- درخت مراد؛ ۵۲- زیارتگاهها  
و زیارت رفتن؛ ۵۳- قالی شوران.  
ح - مراسم گذرنده:  
۵۴- باران خواستن؛ ۵۵- بند آوردن باران و شعرهای باران؛ ۵۶- بند آوردن باد.  
ط - جشنها و مراسم ادواری و موسمی؛ ۵۷- جشنها؛ ۵۸- تیر ماه سیزده؛ ۵۹- زمستان؛ ۶۰- سده؛  
۶۱- کوسه بر نشین؛ ۶۲- شب اول اسفند؛ ۶۳- پنجه؛ ۶۴- عرفه و شب جمعه آخر سال؛ ۶۵- چهارشنبه  
سوری؛ ۶۶- نوروز؛ ۶۷- سیزده بدر.  
ی - آداب و مراسم مذهبی ادواری؛ ۶۸- محرم؛ ۶۹- تمزیه خوانی؛ ۷۰- ماه صفر و چهارشنبه  
آخر صفر؛ ۷۱- ماه رجب و شعبان؛ ۷۲- ماه رمضان؛ ۷۳- اعیاد مذهبی؛ ۷۴- عید قربان؛ ۷۵- عید غدیر؛  
۷۶- عرفیات.  
ک - زندگی اجتماعی؛ ۷۷- تولد و بختگی؛ ۷۸- لالایی و نوازش کودکان؛ ۷۹- ختنه سوران؛ ۸۰-  
مکتب و مکتب خانه؛ ۸۱- بازیها؛ ۸۲- خواستگاری و عروسی؛ ۸۳- واسونکها؛ ۸۴- آداب اجتماعی؛  
۸۵- مهمان و مهمان داری؛ ۸۶- مرگ و سوگواری.  
ل - پیوست؛ ۸۷- غیر قابل تفکیک؛ ۸۸- محرمانه.  
در پرونده های مربوط به مناطق مختلف متن مربوط به جمعا چهل و چهار منطقه و یا شهر  
منفرد گرد آمده است. در این پرونده ها بسته به پشتکار و تلاش گرد آورندگان مطالب کمتر یا بیشتری  
در دسترس قرار دارد. بدین ترتیب می بینیم که به علت کوشش بسیار هریک از گرد آورندگان چندین  
پرونده به خزانه آباد کازرون و بندرعباس اختصاص یافته است. و در مورد بندرعباس حتی پرونده  
جدد گانه ای از اطلاعات مربوط به لهجه و طرز ادا و جمله بندی اهالی این ناحیه در دست است.

آخرین مقوله پرونده‌ها که در باره اقلیتهای قومی و مذهبی است نسبتاً کم حجم است. در این بخش در باب:

۱- بختیارها؛ ۲- لرها؛ ۳- عشایر و ایلات؛ ۴- زرتشتیان؛ ۵- ارمنی‌ها؛ ۶- کلیمیان. بحث شده است.

متون تعداد کثیری از پرونده‌ها باز برحسب مبداء جغرافیایی استانهای ایران و یا شهرهای جداگانه در پوشه‌ها تقسیم شده است. در آستر پرونده‌ها اطلاعاتی چایی به این صورت پیش‌بینی شده است: سال تحریر، گردآورنده، مبداء، ملاحظات. بعضی از پرونده‌ها را جزء به جزء و به دقت تمام تقسیم‌بندی کرده‌اند، من جمله دو پرونده شماره ۲۳. «شخصیتهای مشهور»، که در آنها جمعاً هفتاد و یک پوشه درباره تک تک شخصیتهای دیده می‌شود، از آریوبرزن گرفته تا بهلول و اسکندر و هارون الرشید و تیمورلنگ.

انجوی برای انتشار این مواد ترتیب کار را با موسسه انتشاراتی بلندپرواز امیرکبیر داد و قرار شد «گنجینه فرهنگ مردم» آنجا به طبع برسد و از این دوره تا هنگام تحولات اخیر در سال ۱۳۵۷ جمعاً ده جلد به چاپ رسید (مجلدات نهم و دهم نزد انتشارات سروش به طبع رسیده است): تمثیل و مثل ۱ (۱۳۵۲)، چاپ مفصل تر دوم (۱۳۵۷)، جشنها و آداب و معتقدات زمستان ۱ (۱۳۵۲)؛ قصه‌های ایرانی ۱۳۵۲؛ چاپ دوم که بسیار بر آن افزوده شده در دو قسمت (۱۳۵۷، ۱۳۵۹)؛ بازیهای نمایشی (۱۳۵۲)؛ قصه‌های ایرانی ۲ (۱۳۵۳)؛ جشنها و آداب و معتقدات زمستان ۲ (۱۳۵۴)؛ مردم و شاهنامه (۱۳۵۴)؛ قصه‌های ایرانی ۳ (۱۳۵۵)؛ مردم و فردوسی (۱۳۵۵)؛ مردم و قهرمانان شاهنامه (۱۳۵۷).

نقشه انجوی در اصل این بود که در درازمدت گروهی بیست نفره راز همکاران برای پرداختن بیشتر به گنجینه و همچنین نقد و ارزیابی علمی و چاپ مواد گردآمده در اختیار بگیرد. از سال ۱۳۴۸ وی با نخستین همکار خود احمد و کیلیان به صورت منظم به تکمیل کادر همکاران پرداخت و شخصاً تدریس و راهنمایی آنان را به عهده گرفت. گاه نیز برای تحقیق به مسافرت‌هایی هم دست می‌زد که یکی از نتایج آن مجموعه نفیسی است از مواد و مدارکی که بر روی نوار ضبط گردیده است. اما طرح و نقشه انجوی به علت سوانح سیاسی به پایان نرسید و ناتمام ماند. انجوی با کناره‌گیری از خدمت از هدفی که در زندگی برای خود تعیین کرده بود کم و بیش جدا ماند و امروز حتی یکی از شاگردان قدیم وی نیز در آن مؤسسه مشغول کار نیست. از آن زمان به بعد از مواد و مدارک موجود در آن مؤسسه فقط چند کتابی نه چندان پر حجم منتشر شده است که از آن میان می‌توان از این آثار نام برد: باورهای عامیانه درباره فال حافظ، به قلم م. روح‌الامینی (۱۳۶۹)؛ همچنین هر دو جلد تمثیل و مثل ۲ (۱۳۶۶) و رمضان در فرهنگ مردم توسط احمد و کیلیان (۱۳۷۰). یک مجموعه قصه دیگر هم که خود انجوی تألیف آن را مباشرت کرده در پایان سال ۱۹۹۳ آماده انتشار بود.

سوی تألیف کتاب، انجوی تعدادی هم مقاله در روزنامه‌ها و مجله‌ها انتشار داد و در برنامه‌های رادیو و تلویزیون نیز به نحوی خستگی‌ناپذیر برای هدفی که داشت تبلیغ کرد. از این گذشته ارتباط خود را با دانشمندان خارجی که در زمینه دانش مردم ایران فعالیت دارند حفظ می‌کرد. در اینجا ناگفته نباید گذاشت که انجوی طبعاً مورد انتقاد هم قرار می‌گرفت: از همان بدو امر از طرف روشنفکران مترقی این شک و تردید نسبت به حفظ و تبلیغ ارزشهای سنتی که آن را «عقب‌مانده» می‌خواندند ابراز می‌شد. از جانب قوم‌شناسان این ملامت ابراز می‌گردید که برنامه‌های رادیویی

انجوی که تا اعماق روستاها در دورافتاده‌ترین نقاط کشور نفوذ دارد روایات شفاهی را استاندارد می‌کند و همه را به یک صورت معین درمی‌آورد. می‌گفتند: این برنامه‌ها حیطه‌هایی از سنت را که اصیل و دست نخورده و منزوی مانده است با روایات ناآشنا و غریب مربوط می‌کند و آمیزه‌ای غیرمجاز و ناپسند پدید می‌آورد که سرانجام به تخریب و انهدام اصالتی منجر می‌شود که خود برای حفظ و حراست آن کمر بسته است. اما انتقادهای و ملامتها هرگز نتوانست که انجوی را از طی راهی که در پیش گرفته بود باز دارد، چه او اهمیت ملی رسالتی را که به عهده داشت به خوبی می‌دانست. حتی ایرادهایی هم در این زمینه که متن‌هایی که توسط او فراهم آمده از سیاق اصلی به دور افتاده نتوانست در او نسبت به انجام وظیفه‌اش تزلزلی ایجاد کند.

حاصل یک عمر تلاش و کوشش انجوی گنجینه‌ای است که در کشورهای اسلامی خاور نزدیک ماندنی ندارد و از اهمیت آن برای فرهنگ مردمی ایران و فرهنگ به معنی اعم هرچه بگوییم به راه مبالغه نرفته‌ایم. اینکه ده دوازده گاو صندوق، مالامال از پرونده و پوشه، خلاصه فرستهای فراوان یا مکاتباتی که به دقت تمام مرتب شده‌اند و تعداد بی‌شماری از اوراق دست‌نویس با متون متفاوت، اطلاعات، اظهارات، توصیفا و قصه‌ها فراهم آمده نه تنها مدرک و سندی است از شخصیت محقق فوق‌العاده و برجسته، بلکه در عین حال حاکی از روابط صمیمانه و محبت‌آمیز همکاران مقاله‌نویسان نسبت به «انجوا» نیز هست که صدها شی مورد مصرف روزانه، یادگاری و متعلق به شخص خود را برایش می‌فرستادند.

«مرکز فرهنگ مردم» که توسط انجوی تأسیس گردید هم‌اکنون در زیرزمینهای «مرکز تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه» صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران جای داده شده است. فعلاً این طور به نظر می‌آید که کار و تحقیق با اسناد این مرکز، غیر از انتشاراتی که در سالهای گذشته صورت گرفته و ما از آنها نام بردیم، بیشتر موقوف باشد به نظم بخشیدن به اسناد و مدارک گردآوری شده. اما به علت اولویتهای سیاسی که فعلاً در کشور وجود دارد چنین معلوم است که از جانب مقامات رسمی چندان به صورت جدی به تحقیق در این رشته عنایتی نمی‌شود. مقامات مسئول فعلی طرحهایی ریخته‌اند تا در همکاری با کمیسیون منطقه‌ای یونسکو بتوانند این اسناد و مدارک موجود را از گزند حوادث مصون و محفوظ نگاه دارند. چنین کاری فقط با ضبط کلیه اسناد بر روی میکروفیلم می‌تواند عملی بشود، چه از این طریق می‌توان در عین حال به تعداد کثیری از علاقمندان این رشته امکان داد تا این متون را برای تحقیق و بهره‌وری مورد استفاده قرار دهند. تاکنون ظاهراً به این پرسش پاسخی روشن و قاطع داده نشده است که چنین اقدامی در محدوده سیاستگذاریهایی مسئولین فرهنگی تا چه اندازه مطلوب است. در حال حاضر با دادن درخواست رسمی و گرفتن اجازه از مسئولین می‌توان در محل، این مدارک را در اختیار گرفت. اما ملاحظه و تحلیل این مواد برای دانشمندان خارجی با آن وقت اندکی که به آنها داده می‌شود کاری غیر عملی. بدین ترتیب روشن نیست که آیا مسئولین فعلی مرکز فرهنگ مردم آیا واقعاً به اهمیت بسیار زیاد این مجموعه وقوف دارند یا نه و از این گذشته آیا تصمیم دارند این گنجینه روایات و اسناد مردمی ایران را که انجوی گردآورده برای ارزیابی در اختیار دانشمندان بین‌المللی بگذارند یا نه.